



تقدیم به:

پدرم که هراس داشت و لذت آموخت

دکتر رضا براهنی که نقطه اتصال طرب بود و فغان در واژه های معاصر

هوشنگ گلشیری که قلمش هول بود برای تاریک اندیشان

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: اندیشه سیاسی در اسلام
عنوان پایانامه: آسیب شناسی گفتمان اصلاح طلبی بر اساس منطق درونی
نام و نام خانوادگی دانشجو: الهام محمدنژاد
استاد راهنما: جناب دکتر منصور انصاری
استاد مشاور: جناب دکتر محمد سالار کسرائی
تاریخ شروع پایانامه: اردیبهشت ۸۸
تاریخ اتمام پایانامه: اسفند ۸۹
<p>چکیده: در شکل گیری جوامع بشری مدرن همواره نقش حزب و گروه‌های سیاسی نقشی غیر قابل انکار بوده است. در ایران نیز این نقش از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در طی روند تغییراتی که از ابتدای انقلاب به بعد شکل گرفته ، نقشی در خور تعمق است. یکی از اصلی ترین برهه های تاریخ انقلاب اسلامی ، برهه ای بود که احزاب اصلاح طلب با مرکزیت حجت السلام والمسلمین سید محمد خاتمی و ذیل گفتمانی با محوریت شخص ایشان به روی کار آمدند. این برهه از تاریخ انقلاب اسلامی که هشت سال به طول انجامید، یکی از چالش برانگیزترین و پرحادثه ترین سال های پس از پیروزی انقلاب بوده است. از سویی گفتمانی در ایران به هژمونی رسیده بود که شعارهای اصلی انقلاب همچون مردم سالاری، آزادی و... را در خود جای داده بود و از سوی دیگر با توجه به روند تغییراتی که در سراسر جهان شکل گرفته بود و فاصله گرفتن از شرایط انقلابی ، با این تفکر که نیاز جامعه ایرانی داشتن روابط عادلانه و آزاد با همه ی جهان است، مسائل و رویکردهای فکری و نظری دیگری را در خود پذیرا شد. گفتمان اصلاح طلبی در ایران در طول هشت سال حضور در راس قدرت اجرایی کشور با بحران های بسیار بیرونی و درونی مواجه بود. در این پژوهش همانطور که از عنوان آن پیداست ما به علل بیرونی نمی پردازیم، اما علل درونی: از آن رو که تئوریسین های گفتمان اصلاحات هرگز بر سر ارائه تعریفی مشخص از عناصر بنیادین این گفتمان با هم همدل نشدند و همواره در درون این گفتمان اختلاف نظرهای بسیار و اساسی بر سر مفاهیم وجود داشت که در نهایت همانطور که در این رساله نشان خواهیم داد علت اصلی از دست رفتن هژمونی گفتمان اصلاح طلبی را فراهم آورد. پژوهش حاضر می کوشد در چارچوب "نظریه لاکلائو و موفه" و با بکار گیری روش گفتمانی، ریشه های اصلی از دست رفتن هژمونی این گفتمان را به عنوان یک "متن" در بستر شرایط درون گفتمانی تحلیل کند.</p> <p>کلید واژه: آسیب شناسی، جمهوری اسلامی، اندیشه سیاسی، تحلیل گفتمان، منطق درونی</p>

Dissertation for Master's Degree Program
Major: Political Thoughts in Islam
Title: A Evaluation and Pathology of Reformist Discourse: An Internal Logic Approach
Author: Elham Mohammadnejad
Supervisor: Dr. Mansour Ansari
Advisor: Dr. Mohammad Salar Kasraei
Date of starting thesis: April 2009
Date of finishing thesis: march 2011
<p><b>Abstract:</b></p> <p>Parties and political groups have always played indisputable roles in formation of modern human societies. Islamic Revolution, and the process which followed, provided a basis for manifestation of such roles. An important post-revolution period in Iran was the period during which reformists led by Seyed Mohammad Khatami, governed the country under a discourse proposed by him. The period, which lasted for eight years, was among the most challenging post-revolution eras leading to enormous events. On one hand, a discourse based on principles mottos of Islamic Revolution, such as democracy, freedom, and the like, had found hegemony in Iran; and on the other hand, a series of changes in the world and declining trend of revolutionary views, as well as the need for interaction between Iran and the world based on principles of equity and freedom, brought about new theoretical and intellectual issues and approaches. Reformist discourse, during its eight years of ruling over the executive branch of the country, faced numerous crises both from the inside and outside. The present study, as its title suggests, focuses on internal factors. Since theoreticians of reformist discourse never agreed upon a unified and clear definition of principle elements of the discourse, the ongoing fundamental disagreements over the basic concepts cost the discourse its hegemony. The present study attempts to analyze the main causes of losing the hegemony of the discourse, as a text embodied in the intra-discourse context, by making use of discourse methods and within the framework of Luclao and Muofee's theory.</p> <p><b>Keywords:</b> Pathology, Islamic Republic, Political Thought, Discourse Analysis, Internal Logic</p>

المرحلة الدراسية: الماجستير

الفرع: الفكر السياسي في الاسلام

عنوان الرسالة: الدراسة النقدية للخطاب الاصلاحى و فق منطقة الذاتى

اسم الطالب: الحام محمدنژاد

الاستاذ المشرف: حضرة الدكتور منصور انصارى

الاستاذ المستشار: حضرة الدكتور محمد سالار كسرايى

بدء الرسالة: جمادى الاولى ١٤٣٠

انهاء الرسالة: ربيع الثانى ١٤٣١

المخلص: ان للحزاب و المجموعات السياسة دورهام و بارز فى تكوين المجتمعات البشرية الحديثه. فى ايران ايضا، و خلال الفترة ما بعد الثورة الاسلاميه و التطورات التى تلتها نراها هذا الدور جدير بالاهتمام. احدى اهم منعطفات تاريخ الثورة الاسلاميه ، تلك التى بدأتها الاحزاب الاصلاحيه بقيادة السيد محمد خاتمي و الخطاب الذى تمحور حول شخصيته. شكلت هذه الفترة التى دامت ثمانى سنوات، احدى اهم التحديات و الاحداث الساحته منذ انتصار الثورة. اذ تمثلت بهينمه خطاب فى ايران يرفع شعارات الثورة الرئيسيه ك : الديموقراطية، و الحرية،... الخ. و نظرا للتطورات التى طرات على العالم برمته مما ادت الى تقليص النفس الثورى و نظرا لمتطلبات المجتمع الايرانى الحديث و تطلعه نحو بناء علاقات متكافئه و حره مع جميع شعوب العالم. فقد تبنى هذا الخطاب اشكاليات و اتجاهات فكرية و معرفية حديثه. لقد واجه الخطاب الاصلاحى فى ايران تحديات وازمات داخلية و خارجية عدة طيلة ثمانى سنوات عندما كان تسلم مقاليد السلطة التنفيذيه. و كما يتضح من عنوان بحثنا ، لن نتطرق للاسباب الخارجيه، بل نختصر على الاسباب الداخليه: و بما ان منظري الخطاب الاصلاحى لم يتفقوا على صيغته محدوده لاسس خطابهم، و لطالما وجدت خلافات جذرية و هامه حول مفاهيم هذا الخطاب ، شكل هذا الموضوع السبب الرئيسى لتقليص هيمنه الخطاب الاصلاحى و نجاه. سعى هذا البحث من خلال تطبيق نظرية " لاكلاثو و موفه " كانظري و استعمال المنهج الخطابى ان يقدم دراسة حول الجذور السياسيه لخفض سلطه هذا الخطاب، و يحاول ان يدرس الشروط الذاتيه للخطاب هذا <النص>.

## فهرست اجمالی

فصل اول)مقدمه و کلیات.....	۱۲
فصل دوم) مبانی نظری.....	۱۸
فصل سوم)از خرده گفتمان های چپ اسلامی در ابتدای انقلاب تا گفتمان اصلاحات.....	۴۶
بخش اول: تاریخچه متخصری از سیر جریان موسوم به چپ از ابتدای انقلاب تا دهه هفتاد.....	۴۷
بخش دوم: سیر تحول گفتمان چپ اسلامی در دهه شصت و هفتاد.....	۷۰
فصل چهارم) سیر افول هژمونیک و آسیب شناسی گفتمان اصلاح طلبی.....	۱۰۸
بخش اول: تناقضات مفهومی و آشکار شدن نشانه های بی قراری در گفتمان اصلاح طلبی.....	۱۱۲
بخش دوم: به زیر سوال رفتن قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار گفتمان اصلاح طلبی.....	۱۲۷
نتیجه گیری.....	۱۳۶
فهرست منابع:.....	۱۴۰

# فهرست مطالب

۱۲.....	فصل اول: مقدمه و کلیات.....
۱۳.....	بیان مسئله.....
۱۳.....	ضرورت و اهمیت موضوع.....
۱۴.....	نحوه ارتباط موضوع با امام و انقلاب.....
۱۴.....	سوال اصلی.....
۱۴.....	فرضیه اصلی و فرضیه رقیب.....
۱۵.....	مبانی نظری.....
۱۵.....	تعریف مفاهیم، شاخصه سازی و عملیاتی کردن.....
۱۵.....	آسیب شناسی.....
۱۶.....	گفتمان.....
۱۶.....	اصلاح.....
۱۶.....	اصلاحات در ایران.....
۱۷.....	سازمان دهی اولیه پژوهش.....
۱۷.....	پیشینه و سوابق پژوهش.....
۱۸.....	فصل دوم: مبانی نظری.....
۲۲.....	فوکو.....
۲۴.....	نورمن فرکلاف.....

۲۶.....	چهارچوب نظری.....
۲۷.....	نظریه گفتمان لاکلاو و موفه.....
۲۸.....	مفاهیم کلیدی.....
۲۸.....	مفصل بندی.....
۲۹.....	دال مرکزی.....
۳۰.....	دال شناور.....
۳۰.....	اختیاری بودن رابطه دال و مدلول.....
۳۱.....	وقته، عنصر و حوزه گفتمان‌گونگی.....
۳۲.....	غیریت و خصومت.....
۳۳.....	برجسته سازی و حاشیه رانی.....
۳۵.....	امکانیت.....
۳۵.....	بی قراری.....
۳۶.....	هژمونی.....
۳۷.....	انسداد و توقف.....
۳۸.....	موقعیت های سوژگی.....
۳۸.....	سوژگی سیاسی.....
۴۰.....	قدرت.....
۴۱.....	اولویت سیاسی.....
۴۲.....	از اسطوره و وجه استعاری تا تصور اجتماعی.....
۴۴.....	قابلیت دسترسی، قابلیت اعتبار.....
۴۶.....	فصل سوم: از خرده گفتمان های چپ در ابتدای انقلاب تا گفتمان اصلاحات.....



بخش اول:

- تاریخچه ی مختصری از سیر جریان موسوم به چپ از ابتدای انقلاب تا دهه هفتاد..... ۴۷
- الف - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی..... ۴۷
- ولایت فقیه..... ۴۹
- آزادی..... ۵۰
- قانون و قانونگرایی..... ۵۱
- دیدگاه های اقتصادی..... ۵۱
- ب - مجمع روحانیون مبارز..... ۵۴
- دیدگاه های سیاسی..... ۵۶
- قانون و قانونگرایی..... ۵۶
- جامعه مدنی..... ۵۶
- نظریات اقتصادی..... ۵۷
- پ - گفتمان سازندگی..... ۶۱
- حق حاکمیت الهی فقیه و نفی جمهوریت..... ۶۴
- نفی دمکراسی..... ۶۴
- وجوب پیروی از ولایت فقیه..... ۶۵
- قانون اساسی..... ۶۵
- آزادی..... ۶۵
- مصلحت نظام..... ۶۶
- ولایت مطلقه..... ۶۶

۶۷..... نفی تساهل

۶۷..... تفسیر حداکثری از دین

۶۸..... نفی پلورالیسم (قرائت های متعدد از دین)

۶۸..... تعارض بنیادین فرهنگ اسلامی با غرب

۶۹..... برابری

### بخش دوم:

۷۰..... سیر تحول گفتمان چپ اسلامی در دهه ۶۰ و ۷۰

۷۲..... زمینه های ظهور گفتمان اصلاح طلبی

۷۹..... ماهیت دمکراتیک انقلاب اسلامی

۸۰..... جامعه مدنی

۸۲..... مردم و جمهوریت

۸۴..... ولایت فقیه

۸۵..... مشروعیت مردمی

۸۶..... آزادی

۹۰..... حقوق شهروندی

۹۲..... توسعه سیاسی

۹۳..... برابری

۹۴..... قانون و قانونگرایی

۹۸..... تساهل و مدارا

۱۰۰..... قرائت پذیری دین

۱۰۲..... تمدن غرب

فصل چهارم: سیر افول هژمونیک و آسیب شناسی گفتمان اصلاحات..... ۱۰۸

بخش اول:

تناقضات مفهومی و آشکار شدن نشانه های بی قراری در گفتمان اصلاحات..... ۱۱۲

جامعه مدنی در سنجش با جامعه مدیته النبی..... ۱۲۱

مردم سالاری در سنجش با مردم سالاری دینی..... ۱۲۳

قانونگرایی در سنجش با قانون و شریعت اسلامی..... ۱۲۴

بخش دوم:

به زیر سوال رفتن قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار گفتمان اصلاحات..... ۱۲۷

نتیجه گیری..... ۱۳۶

فهرست مطالب..... ۱۴۰

کتاب ها..... ۱۴۱

پایان نامه ..... ۱۴۴

فصل نامه و مجلات ..... ۱۴۵

سخنرانی ها..... ۱۴۶

روزنامه ها..... ۱۴۸

منابع انگلیسی..... ۱۴۹

# فصل اول

## مقدمه و کلیات

## الف - بیان مسئله:

در دهه ی دوم انقلاب اسلامی گفتمانی تحت عنوان گفتمان اصلاح طلبی یا جریان دوم خرداد در ایران شکل گرفت که دال مرکزی آن جامعه ی مدنی و دموکراسی بود. این جریان که با پذیرش کلیت نظام و در چارچوب جمهوری اسلامی و در ادامه ی روند تثبیت انقلاب شکل گرفت بتدریج و با قرار گرفتن در آستانه ی دهه دوم پس از انقلاب و پیشنهادات اصلاحی به بعضی شیوه های مدیریت سیاسی و همچنین تفسیرهایی که از انقلاب و ارزشهای انقلابی که شیوه و شکلی تندرو داشتند عرضه کرد. به مرور زمان این جریان به گفتمان قدرتمندی در میدان سیاسی جمهوری اسلامی مبدل شد و توانست به مدت ۸ سال در راس قوای اجرایی کشور قرار گیر ولی با این وجود و علیرغم ادعاهایی که رهبران و کارگزاران این گفتمان داشته اند نتوانست به گفتمان هژمونیک تبدیل شود و به مرور زمان عناصر گفتمانی اش آنچنان تضعیف شد که در عمل نیز قدرت را به جریان ها و گفتمان های رقیب واگذار کرد و توان هژمونیک خود را از دست داد. با این حال جریان اصلاح طلبی هنوز هم به عنوان یک جریان زنده و تاثیر گذار به حیات خود ادامه می دهد.

با این حال و با توجه به موقعیت این جریان در این پایانامه تلاش ما این است که تناقضات درونی گفتمان اصلاح طلبی را بر اساس نظریه ی لاکلائو و موفه نشان دهیم که به دلیل فقدان مفصل بندی دقیق و تناقضات درونی، این گفتمان نتوانست به عنوان گفتمان مسلط و هژمونیک در راس قدرت اجرایی کشور باقی بماند.

## ب - ضرورت و اهمیت موضوع:

با توجه به اینکه جریان اصلاح طلبی پس از انقلاب و در ادامه ی خط اندیشگی امام خمینی که در انقلاب بوجود آمده بود و در جهت تثبیت نظام جمهوری اسلامی با رهبری امام به فعالیت می پردازد و یکی از مهمترین و تاثیر گذارترین و چالش بر انگیزترین جریانهای سیاسی بوجود آمده پس از انقلاب است بنظر بازنگری و بررسی و به واسطه ی آن آسیب شناسی این جریان در مدتی که بر فضای مدیریتی و اجرایی کشور حاکم بود، ضروری بنظر می رسد.

جریان اصلاح طلبی را نمی توان با نگاهی کاملا مثبت یا منفی نسبت به آن آسیب شناسی کرد همانگونه که نمی توان برای آسیب شناسی و بررسی علل از دست رفتن هژمونی اش به دسته ای از عوامل پرداخت مثلا عوامل بیرونی و دسته ای دیگر که عوامل درونی این افول هژمونیک بودند را نادیده گرفت. با توجه به اینکه در مورد چگونگی افول این گفتمان مطالب غالبا یا عوامل بیرونی را مورد توجه قرار داده اند و یا بطور کلی جریان اصلاح طلبی را جریان ی انحرافی در سیرانقلاب اسلامی خوانده اند، توجه ما به علل درونی این افول است.

### ج - نحوه ی ارتباط موضوع با حوزه ی امام و انقلاب :

#### با حوزه ی انقلاب:

در این پژوهش یکی از جریانات تاثیر گذار پس از انقلاب که رهبران فکری و اجرایی آن در دوران انقلاب فعالیت داشتند و پس از آن با قرار گرفتن در راس قدرت اجرایی و اداره ی کشور و با بوجود آوردن این جریان به شکل دادن به ادامه ی روند انقلاب می پردازند، مورد بررسی قرار می گیرد.

#### با حوزه ی امام:

خط اندیشه ی اصلاح طلبی بر اساس نظرات رهبران این جریان و همینطور با نگاه به تعاریف آنها از مفاهیم کلیدی انقلاب در ادامه ی خط فکری امام و شکل دهی و احیاء دوباره ارزش های اسلامی و انقلاب بوده است.

اصلاح طلبان همیشه در سخنان و همچنین در آثار و تالیفاتشان به وضوح به این نکته اشاره کرده اند که میراث دارن فکری و معنوی امام هستند و در مکتب ایشان شاگردی کرده اند.

#### د - سوال اصلی:

در این قسمت سوال ما بصورت بسیار روشن این است که چرا گفتمان اصلاحات توان هژمونیک خود را از دست داد؟

#### ز - فرضیه های اصلی و فرعی پژوهش:

#### فرضیه اصلی:

گفتمان اصلاح طلبی به دلیل تناقضات دورنی و عدم مفصل بندی توجیه پذیر "عناصر" و عدم به کارگیری بسیاری از "دقائق" گفتمانی، توان هژمونیک خود را از دست داد

## فرضیه ی رقیب:

گفتمان اصلاح طلبی به دلیل سنگ اندازی های بیرونی اقتدارگرایانی که اصلاح را در چارچوب نظام جمهوری اسلامی بر نمی تافتند ، نتوانست به عنوان گفتمان قالب در راس قدرت اجرایی کشور باقی بماند.

## ح - مبانی نظری:

"گفتمان" مفهومی چند وجهی و اساساً توسعه نیافته ، مبهم و مناقشه انگیز است. صرف نظر از ریشه های تاریخی که می توان آن را تا متون کلاسیک یونان دنبال کرد ، تعریف جدید از آن نزد اندیشمندان مختلف به مدل‌های متنوعی رجوع می دهد. به طوری که هریک از این افراد مفهوم خاص خود را در این واژه بر بسته کرده و به آن پرداخته اند.

با این وجود دو رهیافت کلی در آراء مربوط به گفتمان را می توان تشخیص داد: تحلیلی زبان شناختی و تحلیل فوکویی. از منظر رهیافت زبان شناختی که ریشه در آرا سوسور دارد ، گفتمان به مثابه ی نظامی از دلالت های زبانی و نشانه مطرح می شود. به گمان زبان شناسان ساختارگرا گفتمان ساحتی زبانی دارد و ضرورتاً به تغییرات در حوزه ی زبان شناختی وابسته است. از این رو توسعه مفهوم گفتمان در حوزه ی زبان شناسی از دو طریق امکان پذیر گشته است : نخست تردید نسبت به این عقیده که زبان جوهر است و دوم انکار این سخن که مفهومی مرکزی برای شکل گیری یک ساختار ضروری است.

از منظر تحلیل فوکویی، گفتمان به مثابه ی نظامی از اشیاء که به رفتارهای آدمی جهت می دهند یا مجموعه ای از گزاره های جدی که انسان از طریق آن هویت و اجتماع خود را تعریف می کنند مطرح می شود. بر پایه ی چنین تعریفی مفهوم گفتمان در نزد فوکو "خود ترسیمی" است. به نحوی که هر گفتمان قواعد خاص خود را می پروراند و هویت نه بعنوان یک بر ساخته ی بیرونی که درونی است و واقعیت توسط زبان یا گفتمان ساخته می شود.

اما در این نوشتار نگاه ما به رهیافت سومی است که لاکلاو و موفه به آن پرداخته اند. این دو اندیشمند اولین کسانی بودند که در رهیافت جدید خود سعی کردند مدل زبان شناسی سوسور و مدل ساختارگرایانه ی فوکو را به عرصه ی سیاست بکشانند و با عرضه ی مفاهیمی از قبیل "مفصل بندی"، "هژمونی"، و "ضدیت" از فرآیندی سخن بگویند که طی آن گفتمان حادث می شود.

تعریف مفاهیم ، شاخص سازی و عملیاتی کردن مفاهیم:

## آسیب شناسی:

آسیب شناسی که بیشتر یک واژه تخصصی در علم پزشکی و طب است به وفور در دیگر علوم خصوصاً علوم انسانی به کار رفته است. آنچه که از این واژه در علوم انسانی مستفاد می شود در مواقعی است که در یک پدیده اجتماعی و سیاسی بحرانی بوجود آمده است و به کار برنده از این واژه قصد دارد علل آن را شناسایی کند و یا مکتبی فکری - فلسفی با افول در اذهان عمومی مواجه شده و مقصود از آسیب شناسی این جریان فکری یا مکتب و یا حتی جریان اجتماعی - سیاسی واکاوی و کالبد شکافی این جریانات است تا بواسطه ی آن دلایل بروز بحران یا فول آنها مورد شناسایی و توجه قرار گیرد. آسیب شناسی همیشه در خود توأم با بازنگری و مرور دوباره است.

## گفتمان:

در نظریه ی لاکلائو و موفه گفتمان ها منظومه های معانی هستند که به تصور ما از واقعیت و جهان پیرامون شکل می دهند و هر عملی منجر به رابطه ای بین عناصر شود که به نحوی هویت این عناصر در نتیجه ی این رابطه و عمل مفصل بندی تعریف و تعدیل شود ، در حیطه گفتمانی شکل گرفته است به این صورت معنای هر نشانه در رابطه با نشانه ای دیگر (غیر) معین می شود. در نظریه ی لاکلائو و موفه گفتمان بر عناصر زیر استوار است:

مفصل بندی ،هژمونی ، قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار ،عناصر و وقته ها ،انسداد ،دال مرکزی و دال تهی ، حوزه ی گفتمانگونگی ، از جاکندگی یا بی قراری ،محتمل بودگی ، غیریت ، فردیت و عاملیت اجتماعی

## اصلاح و اصلاحات:

### اصلاح:

اقدام برای تغییر و جابه جایی برخی از جنبه های حیات اقتصادی و سیاسی بدون دگرگون کردن اساس جامعه . "مهندسی اجتماعی" یا نقشه کشی اجتماعی یکی از انواع اقدامات اصلاحی است که معمولاً برای جلوگیری از نهضت های انقلابی و همچنین ایجاد تغییر و اصلاح جامعه صورت می گیرد.



جریان اصلاحات در ایران:

گفتمان یا جریان مربوط به اصلاح طلبی در اواسط دهه ۱۳۷۰ در ایران شکل گرفت و برخی از فعالان سیاسی این جریان برای تمایز خود از جریان های رقیب از واژه ی اصلاح طلبی برای توصیف خود استفاده کردند. گروههای اصلاح طلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۲ به قدرت رسیدند و این گفتمان وارد عمل سیاسی شد.

اصلی ترین عناصر این گفتمان عبارتند از :

جامعه مدنی ، توسعه ی سیاسی ، آزادی ، مردم سالاری ، قانونگرایی

یکی از مهم ترین ویژگیهای گفتمان اصلاح طلبی در عین حال ترکیب مفهوم توسعه ی سیاسی با مذهب و دین بوده است که آن را از گفتمان اپوزیسیون بیرون از نظام متمایز می کند.

#### ط - سازمان دهی اولیه ی پژوهش:

فصل اول: مقدمه و کلیات

فصل دوم: مبانی نظری

فصل سوم: از خرده گفتمان های چپ در ابتدای انقلاب تا گفتمان اصلاحات

فصل چهارم: سیر افول هژمونیک و آسیب شناسی گفتمان اصلاح طلب

نتیجه گیری

#### ی - پیشینه و سوابق پژوهش موضوع و جنبه های جدید این پژوهش:

در مباحث مربوط به جریان اصلاح طلبی یا دوم خرداد چندین اثر شامل پایانامه و کتاب وجود دارد که هیچ کدام اختصاصا به آسیب شناسی جریان اصلاح طلبی نمی پردازند.

- "نقش جریان روشن فکری دینی در جنبش دوم خرداد" که این اثر با عنوانی متفاوت و به جریانی تاثیر گذار در وقوع دوم خرداد می پردازد.

- " بررسی علل هژمونیک شدن گفتمان خاتمی " در این اثر که حتی در عنوان نیز با کار حاضر متفاوت است . خانم قوپرانلو فرض را از همان ابتدا بر هژمونیک شدن گفتمان اصلاحات گذشته است و به ادامه روند این گفتمان پرداخته است.

- " دولت پنهان - بررسی جامعه شناختی عوامل تهدید کننده ی جنبش اصلاحات " در این کتاب جلایی پور مرداش از عوامل تهدید کننده بیشتر عوامل تهدید کننده بیرونی می باشد.

- "پس از دوم خرداد" این اثر به اتفاقات رخ داده پس از دوم خرداد به نگاهی توصیفی - تحلیلی می پردازد. در این اثر هیچ مبحثی در رابطه با بررسی آسیب شناسانه این جریان وجود ندارد.

- "اصلاحات در برابر اصلاحات" (مجموعه مقالات) این کتاب که به وسیله سعید حجاریان گردآوری شده است مجموعه مقالاتی از چندین نویسنده را در بر می گیرد که اگر چه جنبه آسیب شناسی دارد اما از نقطه نظر تحلیل گفتمانی نگریسته نشده و بواسطه ی مقالاتی جدا از هم حالتی پراکنده به خود گرفته است.

# فصل دوم

## مبانی نظری

نظریه های گفتمان راکه از دل زبان شناسی معاصر غرب و به ویژه آراء و اندیشه های فردیناندو سوسور زبان شناس سوئیسی بر آمده شاید بتوان به نوعی یکی از چالش بر انگیزترین و در عین حال راهگشاترین مقوله های فکری و فلسفی صد سال اخیر در اندیشه ی اندیشمندان غرب دانست. گفتمان از دل زبانشناسی بیرون آمد و به مرور در فضای علوم انسانی جا باز کرد و رفته رفته به عنوان یکی از مهمترین نظریه ها در پژوهشهای علوم انسانی و بخصوص علوم اجتماعی و علوم سیاسی خود را معرفی کرد. اصطلاح تحلیل گفتمان در سال ۱۹۵۲ در مقاله ای از زلیک هریس زبان شناس انگلیسی به کار رفته است. هریس مفهوم تحلیل گفتمان را در معنای وسیعی به کار گرفته است. او معتقد است بحث درباره ی گفتمان را از دو بعد می توان سامان داد: اول بسط رویه ها و روشهای معمول در زبان شناسی توصیفی و کاربرد آنها در سطح فراجمله (متن) و دوم رابطه ی بین اطلاعات زبانی و غیر زبانی مانند رابطه ی زبان و فرهنگ و محیط اجتماع. در بعد اول صرفاً اطلاعات زبانی مد نظر است ولی در بعد دوم اطلاعات غیر زبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه ی زبان شناسی است مدنظر قرار می گیرد. در مطالعه ی تحلیل گفتمان به تعاریف متعددی بر می خوریم که با تمام تفاوتهای آشکاری که با یکدیگر دارند اغلب آنها در این مسئله با هم موافقت نمی توان گفتمان و بررسی گفتمانی را به قسمت های بسیار محدودی از نوشته و گفتار محدود کرد بلکه باید به فضای فراتر از یک جمله رفت در همین راستا یول و براوان نیز در تلقی خود از تحلیل گفتمانی می نویسند: "تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است. در این صورت نمی تواند منحصر به توصیف صورتهای زبانی مستقل از اهداف و کاربرد هایی باشد که این صورتهای برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده اند (پشت صفحه فرکلاف-تحلیل گفتمان یک چارچوب مقدماتی).<sup>۱</sup> همانگونه که ذکر شد نظریه ی گفتمان از دل زبانشناسی سوسور بیرون آمد. این نظریه بر اساس این رای سوسور نسبت به زبان استوار بود که نشانه ها و کلمات معنای خود را نه به واسطه ی ارجاع به جهان خارج، بلکه از طریق رابطه ی که بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می کنند بدست می آورند. سوسور مهرهای شطرنج را مثال می زند. ارزش هر مهره یا نشانه در درون نظام نشانه شناختی شطرنج ارتباطی با شکل یا جنس مهره ندارد. بلکه هر مهره ارزش معنایی خود را به واسطه ی ارتباطی که با مهره های دیگر دارد کسب می کند. مهره ای مانند اسب از آن رو اسب است که فیل، رخ، سرباز و یا هر مهره ی دیگری نیست.<sup>۱</sup>

در مطالعه سیر تحول و تغییرات زبان شناسی با چند نوع تحلیل گفتمان مواجه می شویم از جمله تحلیل گفتمان ساختارگرا، نقش گرا و تحلیل گفتمان انتقادی، که هر چه به تحلیل های گفتمانی اولیه که بر برگردیم دایره ی تحلیل را بسیار محدودتر می بینیم تا جایی که بر اساس گفته هایی که در سطرهای قبل از هریس و یول

---

<sup>۱</sup> سلطانی علی اصغر، قدرت، گفتمان زبان (تهران: نشرات آگه، ۱۳۸۴)، ص ۷۱